

نگاهی به کتاب «ابوطالب مؤمن قریش» محتوا و روش

عباس محمودی^۱

چکیده

یکی از شبهات مطرح شده درباره حضرت ابوطالب علیه السلام، مسأله ایمان آن حضرت است. تاکنون آثار متعددی در پاسخگویی به این شبهه منتشر شده است. کتاب ابوطالب مومن قریش، از جمله آثار قوی و اثرگذار در این زمینه است. مؤلف این کتاب «عبدالله خیزی» از عالمان معاصر منطقه قطیف عربستان است. این اثر در دو بخش اصلی تنظیم گردیده که بخش اول آن با عنوان «فی مدارج الحیاة» آمده و بخش دوم به «فی ذمّة التاریخ» نامگذاری شده است. گذشته از علل معنوی، محتوا و روش، دو عامل اصلی موفقیت هر کتاب در اثرگذاری بر مخاطب است از این رو بررسی محتوای کتاب ابوطالب مؤمن قریش و شناسایی روش مؤلف در ارائه مطالب، ضروری است. هدف این پژوهش، کشف شیوه و روش خیزی در اثبات ایمان ابوطالب علیه السلام و نحوه پاسخگویی به این شبهه است. فایده این مقاله، ارائه خلاصه محتوای کتاب خیزی به عنوان الگویی مناسب در تحلیل و بررسی شبهات اعتقادی به جامعه علمی و پژوهشگران این عرصه است. روش خیزی در گزینش و تحلیل محتوا می‌تواند در چگونگی بهره‌گیری از حدیث و تاریخ جهت ردّ یک ادعا و یا اثبات مطلب، موثر باشد.

واژگان کلیدی

ایمان ابی طالب، شعب ابی طالب، زندگی ابی طالب، عبدالله خیزی، تاریخ اسلام

درآمد

مسأله ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام در طول تاریخ مورد هجمه دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده است. ریشه این شبهه مسائل سیاسی بوده و از این طریق همواره سعی کرده‌اند تا خدشه‌ای به چهره امیرمؤمنان علیه السلام وارد نمایند. از سوی دیگر، تاکنون پژوهش‌های فراوانی در اثبات ایمان ابوطالب علیه السلام انجام گرفته است. یکی از آناری که مورد استقبال جامعه علمی قرار گرفت، کتاب ابوطالب مومن

۱. دانش‌آموخته سطح چهار و پژوهشگر حوزه علمیه قم.

قریش، اثر عبدالله خنیزی است. این اثر که در دو بخش تنظیم شده به شیوه‌ای جذاب و عالمانه، ایمان ابوطالب رضی الله عنه را به اثبات رسانده است لذا بررسی تحلیلی محتوا و روش این کتاب، کاری شایسته و لازم است. گرچه خنیزی همه دلایل ایمان حضرت ابوطالب را نیاورده است^۲ اما توانسته مطالب را در قالبی مناسب به جامعه هدف انتقال دهد. دو عامل انصاف مؤلف^۳ و امانت‌داری در نقل روایات و مطالب تاریخی،^۴ از علّت‌های مهمّ اثرگذاری این کتاب است.

این مقاله در دو بخش ارائه میشود: ابتدا محتوای کتاب و سپس روش آن.

الف) محتوای کتاب ابوطالب مؤمن قریش

گزارش خلاصه محتوای کتاب ابوطالب، مؤمن قریش در قالبی نو، می‌تواند علاوه بر معرفتی اثر به جامعه علمی و ایجاد انگیزه در مخاطبان، کمک خوبی در به‌روزرسانی کتاب داشته باشد. این کتاب از جمله آثار پُر مطلب است اما به دو دلیل، برخی از موضوعات موجود در آن مغفول مانده است:

- نداشتن فهرست دقیق و تفصیلی مطالب.

- وجود ساختار قدیمی بدون تقسیم‌بندی ریزموضوعات به بخش‌ها و فصل‌های

منطقی

اکنون گزارش علمی مختصری از مطالب این اثر ارائه می‌شود.

مقدمه

در ابتدای این کتاب پس از شرح حال مؤلف و مقدمه ایشان، مقدمه‌ای از استاد «بولس سلامة» آمده است.

۲. ایشان درباره روش خود در گزینش مطالب می‌گوید: «ما بر آن نیستیم که همه دلایل و براهینی را که در صفحات منابع پراکنده است و جمع‌آوری آنها نیاز به زمان طولانی دارد بیاوریم لذا برخی را انتخاب کرده‌ایم به گونه‌ای که آنها دلیل بر کلّ مطلب هستند.» (ابوطالب مؤمن قریش ص ۱۰۹)

۳. رعایت انصاف در مباحث علمی، راه را برای رسیدن به حقیقت هموار می‌سازد. مؤلف کتاب ابوطالب مؤمن قریش، سعی کرده همواره در بیان دیدگاه‌ها و مطالب علمی، جانب انصاف را رعایت نماید؛ به عنوان نمونه، خنیزی گرچه به صراحت از برخی عالمان اهل سنت در نسبت دادن افترا و دروغ به شیعیان انتقاد می‌نماید ولی اشکال را متوجه همگان نکرده و می‌گوید: «گروهی از عالمان اهل سنت هستند که برای رضای خداوند سخن گفته، به دنبال تفرقه و اختلاف نبوده و بنای وحدت را استحکام بخشیده‌اند.» (ص ۶۹)

۴. خنیزی دقت خوبی در حفظ امانت نسبت به منابع کتاب خود داشته است. ایشان اگر مطلبی را از کتاب واسطه نقل کرده و خودش به مصدر اصلی مراجعه نموده، مستقیماً به آن منبع آدرس نداده است؛ یعنی چنین نبوده که واسطه را حذف نماید گرچه اگر واسطه را حذف می‌نمود در افزایش اعتبار کتابش مؤثر بود. این ویژگی نشان از امانت‌داری مؤلف است. به عنوان نمونه، خنیزی وقتی جریان بارش باران به برکت رسول خدا صلی الله علیه و آله را نقل می‌کند به کتاب الغدير آدرس می‌دهد آنگاه، مصادر الغدير در این جریان را نقل می‌کند. (ص ۱۰۴) در جایی دیگر نیز روایتی را به واسطه کتاب الغدير از کتاب «اسنی المطالب فی مناقب سيدنا علی بن ابی‌طالب» که متعلق به یکی از عالمان قرن هشتم و نهم است نقل نموده و کتاب واسطه را حذف نکرده است. (ص ۱۴۳) همچنین مطلبی را با شمارش منابع متعددی بیان می‌کند و در پایان می‌گوید: «قد أسندتُ فی الغدير الی مصادر عدّة» (ص ۱۵۰) خنیزی پس از بیان یکی از اشعار حضرت ابوطالب و شمارش مصادر متعدّد برای آن، می‌نویسد: «و أسندتُ فی الحجّة.» (ص ۱۵۱)؛ منظور کتاب «الحجّة علی الذاهب» است.

در آستانه

در این بخش که به مباحث مقدماتی پرداخته است، گزارشی از تاریخ صدر اسلام و عصر ابوطالب علیه السلام با عنوان «علی العتبة» ارائه گردیده است. خیزی در این قسمت، علت مخالفت و دشمنی مردم با ابوطالب علیه السلام را بررسی نموده و مسائلی مانند هوا و هوس، همراهی ابوطالب علیه السلام با سیره فرزند بزرگوارش امیرمؤمنان علیه السلام و موضع گیری و مخالفت حاکمان با ایشان را برشمرده است.^۵

آن گاه مطالب اصلی کتاب را در دو بخش تنظیم کرده است. بخش اول، فی مدارج الحیاة و بخش دوم، فی ذمّة تاریخ. مباحث مطرح شده در این دو بخش از قرار زیر است.

بخش اول: فی مدارج الحیاة

مباحث مطرح شده در این بخش عبارتند از:

۱. بیت

در این فصل، به جریان تولّد حضرت ابوطالب و برخی از اوصاف پدرش حضرت عبدالمطلب و همچنین تولّد رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره شده است.

۲. شخصیت

معرفی شخصیت ابوطالب علیه السلام، برخی از ویژگی‌ها و صفات اخلاقی ایشان، از جمله مطالب مطرح شده در این فصل است.

۳. دلایل

خیزی می‌گوید در اشعار ابوطالب علیه السلام نشانه‌هایی وجود دارد که ایشان پیش از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله از نبوت آن حضرت خبر داشت. آن گاه برای اثبات ادعای خود برخی از این نشانه‌ها را آورده است. خیزی با شیوه‌ای فنی و دقیق ضمن بیان فضایل و کرامات رسول خدا صلی الله علیه و آله در بخش دلایل (نشانه‌ها) یکی از قوی‌ترین دلایل ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام را تبیین می‌نماید. به عنوان نمونه در جریان دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله با شخصی از قبیله لهب که به پیش‌گویی معروف بود، به دلیل بیم‌ناکی و ترس از جان پیامبر صلی الله علیه و آله، برای حفظ جان آن حضرت، ایشان را مخفی نمود.^۶

در جریانی دیگر به اعتقاد حضرت ابوطالب به مبارک‌بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از بعثت اشاره نموده است. این اعتقاد به گونه‌ای بود که ابوطالب، همواره ظرف شیر را ابتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دادند و پس از نوشیدن ایشان، دیگر افراد خانواده می‌نوشیدند.^۷

۵. ص ۲۱-۲۳.

۶. ص ۱۱۱.

۷. ص ۱۱۲.

خنیزی وقتی جریان دیدار بحیرا با رسول خدا ﷺ و پیش‌گویی او درباره پیامبر ﷺ را نقل می‌کند، به این فضیلت ابوطالب علیه‌السلام اشاره می‌نماید که ایشان پس از شنیدن این پیش‌گویی، محبت و محافظتش از رسول خدا ﷺ، دوچندان شد.^۸ دلایل مطرح شده در این فصل عبارتند از:

- نبع الماء
- مع العائف
- إنک لمبارک
- الی الشام

۴. زواج

این فصل به ازدواج رسول خدا ﷺ اختصاص یافته است. خنیزی از این جهت ازدواج را در اینجا مطرح کرده که به نوعی با ایمان ابوطالب علیه‌السلام مرتبط است اما به دلیل اینکه در ابتدای فصل، جایگاه و علت بیان موضوع را به خوبی تبیین نکرده در نگاه اول به نظر می‌رسد که از نظر ساختار منطقی، جای این فصل مناسب نیست.

۵. فی فجر الدعوة

در این فصل دو موضوع مطرح شده است موضوع اول که با عنوان «الفجر الاوّل» آمده به نحوه آگاهی ابوطالب علیه‌السلام از بعثت پیامبر ﷺ و استقبال و حمایت ایشان از این موضوع پرداخته و مطلب دوم که با عنوان «الفجر الاوّل» آمده به اولین دعوت رسمی و علنی رسول خدا ﷺ «یوم الانذار» پرداخته است.

۶. جهاد

از نظر خنیزی یکی دیگر از دلایل قوی بر ایمان ابوطالب علیه‌السلام جهاد ایشان در دفاع از عقاید رسول خدا ﷺ بود. خنیزی می‌گوید ابوطالب نه تنها حمایت لسانی از رسول خدا ﷺ نمود بلکه در راه عقیده و ایمان خالص خود جهاد و فداکاری کرد.

۷. الشعب و الصحیفة

حمایت ابوطالب علیه‌السلام از رسول خدا ﷺ در شعب نیز که به دلیل تحریم همه جانبه قریش، سخت‌ترین شرایط را به وجود آورده بود، دلیلی قاطع بر ایمان ایشان است.

۸. عند الاحتضار

یکی دیگر از دلایل ایمان ابوطالب رضی الله عنه و اعتقاد به آن تا آخر عمر، وصیت ایشان به فرزندانش در دفاع و حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله است برخی از جملات این وصیت نامه که گویای ایمان ایشان است عبارتند از:

فإنه الامين في قریش و الصديق في العرب ... و الله لا يسلك أحد سبيله الا رشدا ... و لو كان لنفسي مدة و في اجلي تاخير لکففت عنه الهزاهز و لدافعت عنه الدواهي ...^۹

بخش دوم: فی ذمة التاريخ

خنیزی بخش دوم کتابش را فی ذمة التاريخ (در پناه تاریخ) عنوان گذاری کرده است. یکی از اشکالات این اثر، عدم توضیح و تبیین مطالب مطرح شده در هر بخش و فصل است از این جهت مخاطب احساس می کند ارتباطی بین مطالب وجود ندارد لذا احساس نوعی از هم گسستی مباحث به وجود می آید.

مطالب مطرح شده در این بخش عبارتند از:

۱. بعد الموت

خنیزی در این فصل، به جریان رحلت ابوطالب رضی الله عنه و چگونگی حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنازه ایشان اشاره کرده و آن را دلیلی بر ایمان ابوطالب رضی الله عنه گرفته است.

۲. ذکر عطر

در این فصل، نیکی های بیان شده درباره ابوطالب رضی الله عنه در چند عنوان مطرح شده است.

۳. علی لسان الرسول صلی الله علیه و آله

یکی دیگر از دلایل ایمان ابوطالب رضی الله عنه، عبارات و جملاتی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام شنیدن خبر رحلت ایشان بیان فرمودند. استغفار و رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله برای ایشان، دلیلی محکم بر ایمان ابوطالب است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کافران سخت گیر بود و تنها بر مومنان مهربان و رحیم است.^{۱۰} همچنین شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله برای ابوطالب دلیلی دیگر بر ایمان ایشان است.^{۱۱}

وقتی یکی از اعراب بیابانی شعری از ابوطالب خواند، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز یاد ایشان را گرامی داشت.^{۱۲} هنگام قرائت یکی از اشعار ابوطالب از سوی امیرمؤمنان رضی الله عنه، رسول خدا صلی الله علیه و آله برای عمویش از خدای متعال درخواست مغفرت نمود.^{۱۳}

۹. ص ۲۰۵-۲۰۷.

۱۰. ن. کت فتح، ۲۹.

۱۱. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۲۲۱.

۱۲. ص ۳۳۰.

۱۳. ص ۲۳۲.

رسول خدا ﷺ به عقیل فرمودند یکی از دلایل علاقه و دوستی من نسبت به تو، به خاطر علاقه و محبت عمویم به توست.^{۱۴} ایشان در روز جنگ بدر وقتی ابو عبیده بن حارث بن عبدالمطلب مجروح شد از عبدالمطلب یاد کرد و برای آن دو استغفار نمود.^{۱۵}

۴. علی لسان الامام علی علیه السلام

استناد خیزی به سخنان امیرمؤمنان علیه السلام درباره پدر بزرگوارش اشاره کرده یکی دیگر از دلایل ایمان ابوطالب علیه السلام است. اکنون برخی از نمونه‌های این سخنان آورده می‌شود.

- امیرمؤمنان علیه السلام درباره پدر بزرگوارش فرمودند:

اگر پدرم برای هر گنه‌کاری در زمین شفاعت نماید، خداوند شفاعت او را می‌پذیرد ... نور ابوطالب در روز قیامت نور خلائق را خاموش می‌کند به جز پنج نور.^{۱۶}

- در جایی دیگر آن حضرت می‌فرماید:

به خدا نه پدرم و نه جدّم عبدالمطلب و نه هاشم و عبدمناف، هرگز بتی نپرستیدند.^{۱۷}

- آن حضرت در حدیث دیگری درباره پدر بزرگوارش می‌فرماید:

ابوطالب از دنیا نرفت تا اینکه رسول خدا ﷺ را از خود خشنود ساخت.^{۱۸}

۵. علی لسان اهل البيت علیهم السلام

یکی دیگر از دلایل ایمان ابوطالب، استناد به سخنان امامان معصوم علیهم السلام درباره ایشان است. برخی از این موارد عبارتند از:

- وقتی شخصی، از امام سجاده علیه السلام درباره ایمان ابوطالب پرسش نمود، آن حضرت به قرآن کریم استناد نموده و فرمودند:

اشکال بر ایمان ابوطالب در حقیقت اشکال بر رسول خدا ﷺ است زیرا خدای متعال در چندین آیه پیامبر صلی الله علیه و آله را از اینکه زنی

۱۴. ص ۲۳۳.

۱۵. ص ۲۳۴.

۱۶. ص ۲۸۰.

۱۷. ص ۲۴۷.

۱۸. ص ۲۴۸.

باایمان را در همسری مردی کافر باقی گذارد، منع کرده است، در این حال چرا فاطمه بنت اسد که زنی باایمان بوده است تا آخر عمر ابوطالب در همسری او باقی ماند؟^{۱۹}

- امام باقر علیه السلام درباره ایمان ابوطالب فرمودند:

... إِنْ إِيْمَانَ أَبِي طَالِبٍ لَوْ وُضِعَ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ وَ إِيْمَانَ هَذَا الْخَلْقِ فِي

كِفَّةٍ مِيزَانٍ لَرَجَحَ إِيْمَانُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى إِيْمَانِهِمْ ...^{۲۰}

- روایتی از امام صادق علی السلام درباره ایمان ابوطالب علیه السلام این گونه آمده است:

إِنَّ مَثَلَ أَبِي طَالِبٍ مَثَلُ أَصْحَابِ الْكَهْفِ أَسْرُوا الْإِيْمَانَ وَ أَظْهَرُوا

الشَّرْكَ فَآتَاهُمُ اللَّهُ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ.^{۲۱}

۶. علی لسان الصحابة و آخرین

یکی دیگر از دلایل خنیزی بر ایمان ابوطالب علیه السلام، سخنان صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. برای

نمونه، برخی از این موارد آورده می شود.

- ابوبکر می گوید:

ابوطالب نمرود تا اینکه گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ

مُحَمَّدًا رَسولُ اللَّهِ.^{۲۲}

- ابوذر می گوید:

به خدایی که جز او پروردگاری نیست، ابوطالب نمرود تا اینکه

مسلمان شد.^{۲۳}

شهرت ایمان آن حضرت در طول تاریخ بین اندیشمندان اسلامی نیز دلیلی دیگر بر ایمان

ابوطالب علیه السلام است که خنیزی برخی از سخنان بزرگان عالمان را در این رابطه آورده است. عبدالمسیح

انطاکی نویسنده مورخ مسیحی می گوید:

مورخان مسلمان درباره اسلام ابوطالب اختلاف دارند ولی

استدلال به واقعیت، گفتار کسانی که معتقد به ایمان وی هستند را

ترجیح می دهد.^{۲۴}

۱۹. ص ۲۵۶.

۲۰. ص ۲۵۷.

۲۱. ص ۲۵۹.

۲۲. ص ۲۶۹.

۲۳. ص ۲۷۰. برای ملاحظه سخنان برخی دیگر از صحابیان به صفحات ۲۶۹ تا ۲۷۱ مراجعه نمایید.

۲۴. ص ۲۷۵.

سخنان طه حسین، جورج جرداق و ... نمونه‌های دیگری از این دیدگاه‌هاست.^{۲۵}

نقدی کوتاه بر ساختار کتاب

خنیزی در ادامه این بخش به پاسخگویی برخی از تهمت‌هایی که در طول تاریخ بر حضرت ابوطالب علیه السلام زده شده، پرداخته است در حالی که به نظر می‌رسد اگر دیگر دلایل ایمان ابوطالب علیه السلام را نیز در همین جا بررسی می‌نمود، بهتر بود.

دلایلی دیگر بر اثبات ایمان ابوطالب

خنیزی به صورت پراکنده دلایل دیگری را در کتاب خود برای ایمان ابوطالب علیه السلام آورده است عبارتند از:

۱. اثبات ایمان ابوطالب با استناد به اشعار ایشان

یکی از شیوه‌های خنیزی برای اثبات ایمان حضرت ابوطالب، استناد به اشعار ایشان است. مؤلف کتاب ایمان ابوطالب، پس از بیان سبب صدور هر یک از اشعار، آن را تبیین نموده و نشانه و علامتی از ایمان ابوطالب به رسول خدا شمرده است.

- وقتی شعر «انّ ابن أمانة النبی محمداً» را می‌آورد علت سرودن آن را دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله با بحیرا دانسته و آن را دلیلی بر ایمان ابوطالب می‌شمارد.^{۲۶}

- خنیزی شعر دیگری از ابوطالب با مطلع «الم ترنی من بعد همّ همّته» را آورده و سبب سرودن آن را نیز دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله با بحیرا دانسته و آن را دلیلی بر ایمان ابوطالب شمرده است.^{۲۷}

- یکی دیگر از استنادات خنیزی بر ایمان ابوطالب، شعری است که ایشان با مطلع «انّ علیاً و جعفرأ نقتی» سروده است که فرزندانش علی و جعفر را محل اعتماد خود دانسته و آنها را به حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله توصیه می‌نماید.^{۲۸}

- شعر دیگری که در کتاب ابوطالب مؤمن قریش برای ایمان آن حضرت به آن استناد شده، سروده حضرت ابوطالب در دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله در زمانی است که قریش از ایشان خواسته بودند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله را تحویل آنها دهد. مطلع این شعر این‌گونه است: «والله لن یصلوا الیک بجمعهم»^{۲۹}

نگاهی به کتاب «ابوطالب مؤمن قریش» محتوا و روش

۲۵. برای ملاحظه این دیدگاه‌ها به صفحات ۲۷۶ تا ۲۸۴ مراجعه فرمایید.

۲۶. ص ۱۱۷.

۲۷. ص ۱۱۸.

۲۸. ص ۱۴۱.

۲۹. ص ۱۵۰-۱۵۱.

- ابوطالب خطاب به «مطعم بن عدی بن نوفل بن عبد مناف» به دلیل ترک دفاع از پیامبر ﷺ، قصیده‌ای سرود و سپس به همه کسانی که با پیامبر دشمنی می‌کردند تعمیم داد.^{۳۰}

- اشعار ابوطالب برای نجاشی در جهت حمایت مسلمانانی که به حبشه هجرت کرده بودند نیز دلیلی روشن بر ایمان ابوطالب است.^{۳۱}

- شعر حضرت ابوطالب هنگام خبردار شدن از عهدنامه قریش مبنی بر محاصره اقتصادی بنی هاشم که در آن به نکوهش قریش پرداخته بود، خود دلیلی دیگر بر ایمان ایشان است.^{۳۲ ۳۳}

۲. اثبات ایمان ابوطالب با بیان خطبه‌های ایشان

خنیزی از خطبه‌های ابوطالب نیز برای اثبات ایمان ایشان استفاده کرده است. در ادامه، نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

- خنیزی خطبه ابوطالب رضی الله عنه هنگام ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله را نقل نموده، آنگاه ایمان ابوطالب رضی الله عنه را با بیان مطالب مطرح شده در این خطبه نتیجه می‌گیرد. او می‌گوید:

شروع کلام ابوطالب با سپاس خداوند، اینکه خود را از ذریه ابراهیم و اسماعیل دانسته، دوری آنان از بت‌پرستی، پرهیز از پلیدی‌ها، افتخار به خادمی بیت الله الحرام، اقرار به مقام عظیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و کامل تر بودن آن حضرت نسبت به همه افراد و همچنین خبر از آینده روشن آن حضرت و جایگاه مهمش، همگی نشان از ایمان ابوطالب است.^{۳۴}

- مؤلف کتاب ابوطالب مؤمن قریش، به یکی دیگر از خطبه‌های ابوطالب هنگام مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله با عباس درباره دعوت علنی به اسلام اشاره می‌کند و ضمن اثبات برتری ابوطالب بر برادرش عباس در به دوش کشیدن مسؤلیت مهم حمایت و پشتیبانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنان ابوطالب که دلیل بر ایمان اوست را این چنین می‌آورد:

پدرم که همه کتاب‌ها را می‌خواند گفته بود: پیامبری از نسل من خواهد آمد که دوست دارم روزگارش را دریابم و به او ایمان بیاورم، پس هر یک از فرزندانم او را درک کردم به او ایمان بیاورد.^{۳۵}

۳۰. ص ۱۵۶-۱۵۷.

۳۱. ص ۱۷۲.

۳۲. ص ۱۸۳.

۳۳. نمونه‌های دیگری از شعرهای ابوطالب رضی الله عنه را می‌توانید در صفحات ۱۶۱-۱۶۲ و ۱۶۸ ملاحظه فرمایید.

۳۴. ص ۱۲۶-۱۲۸.

۳۵. ص ۱۳۳.

- خنیزی به خطبه حضرت ابوطالب و پاسخ‌های صریح ایشان به ابولهب در دومین روز دعوت علنی رسول خدا ﷺ در مهمانی خویشاوندان استناد جسته و کلام ابوطالب را این‌گونه می‌آورد:

پس آنچه به آن دستور داده شده‌ای عمل کن که به خدا سوگند همچنان از تو دفاع می‌کنم و تو را حمایت می‌کنم ... ای سرورم برخیز و رسالت پروردگارت را ابلاغ کن.^{۳۶}

- دلیل دیگری که خنیزی بر ایمان ابوطالب ارائه داده، کاربرد واژه «سیدی» از جانب ایشان برای رسول خدا ﷺ است. خنیزی می‌گوید: با توجه به اینکه سن و سال ابوطالب نسبت به پیامبر ﷺ بیشتر است و همچنین اینکه او عموی رسول خدا ﷺ و مربی و سرپرست اوست، بر محمد ﷺ لازم می‌آید ایشان را تعظیم نماید اما کاربرد این واژه از سوی ابوطالب، چیزی نبود جز اینکه اطاعت از پیامبر ﷺ بر ایشان واجب و لازم بود.^{۳۷}

- تشویق حضرت ابوطالب نسبت به فرزندش امیرمؤمنان ﷺ در اولین روزهای دعوت علنی برای دفاع از رسول خدا ﷺ که به ایشان می‌فرمودند:

او تو را جز به خیر و نیکی دعوت نمی‌کند.^{۳۸}

۳. تحمل زخم زبان‌ها و طعنه‌ها

یکی دیگر از دلایل ایمان ابوطالب تحمل سختی‌ها و زخم زبان‌هایی است که در دفاع از رسول خدا ﷺ به ایشان زده می‌شد. تحمل برخی سخنان با چیزی جز ایمان راسخ ممکن نیست. به عنوان نمونه در روز انداز عشیره وقتی رسول خدا ﷺ، امیرمؤمنان ﷺ را به عنوان جانشین خود معرفی فرمود، برخی از حاضران ابوطالب را به سخریه گرفتند که از این بعد باید از پسر تبعیت کنی، اما ابوطالب به قاطعیت تمام پاسخ آنها را داد.^{۳۹}

۴. قطع ارتباط با هم‌پیمانان در دفاع از پیامبر ﷺ

یکی از سنت‌های عرب که برای آنان بسیار اهمیت داشت و کمتر راضی می‌شدند بر خلاف آن عمل کنند، دفاع از عهد و پیمان خود با هم‌پیمانان بود؛ ولی ابوطالب ﷺ در دفاع از رسول خدا ﷺ حاضر شد ارتباط خود با هم‌پیمانانش را قطع نماید. به عنوان نمونه ابوطالب ﷺ، در راستای حمایت از پیامبر ﷺ، ارتباط خود با «مطعم بن عدی بن نوفل عبد مناف» که از هم‌پیمانانش بود را قطع کرد.^{۴۰}

۳۶. ص ۱۳۵.

۳۷. ص ۱۳۸.

۳۸. ص ۱۴۰. (برای ملاحظه خطبه‌های دیگر به صفحات ۱۶۱ و ۱۶۳ مراجعه فرمایید.)

۳۹. ص ۱۳۹.

۴۰. ص ۱۵۶.

۵. مخالفت قاطع با تحویل دادن پیامبر ﷺ به قریش

قریش به گونه‌های مختلفی سعی داشتند تا پیامبر ﷺ را از حضرت ابوطالب بگیرند لذا از طرق مختلفی وارد شدند که همواره با مخالفت صریح ابوطالب ﷺ مواجه شدند. به عنوان نمونه روزی قریش «عمارة بن ولید» را که از برجسته‌ترین شاعران و از زیباترین جوانان قریش بود نزد ابوطالب ﷺ آوردند و پیشنهاد کردند تا او را به فرزندی بگیرد و در مقابل، پیامبر ﷺ را به آنها تحویل دهد. ابوطالب در پاسخ آنها فرمودند:

به خدا بدترین معامله را پیشنهاد کردید! ... هرگز این کار را انجام

نخواهم داد.^{۴۱}

۶. دفاع تا حد قتل مخالفان پیامبر ﷺ

حضرت ابوطالب تا جایی از رسول خدا ﷺ حمایت کرد که حتی حاضر به جهاد با مخالفان شد. به دو نمونه، اشاره می‌شود.

- ابوطالب ﷺ در یکی از روزها که از پیامبر ﷺ خبری نیافت، به دلیل اینکه احتمال داد آن حضرت را به قتل رسانده باشند، به جوانان طایفه‌اش دستور داد هر کدام شمشیری بران در زیر لباس پنهان دارد و نزدیک یکی از سران قریش قرار گیرد تا در صوت نیافتن پیامبر ﷺ، او را به قتل رساند.^{۴۲}

- وقتی ابوطالب ﷺ از بی‌ادبی عبدالله بن الزبیری که در حال سجده پیامبر ﷺ بر سر مبارک آن حضرت سرگین ریخته بود، اطلاع یافت به شدت با او برخورد کرده و توهین را به خودش باز گرداند.^{۴۳}

۷. دفاع از یاران پیامبر ﷺ

حضرت ابوطالب ﷺ نه تنها تا پای جان از خود پیامبر ﷺ دفاع می‌کرد بلکه از یاران و پیروان رسول خدا ﷺ نیز دفاع می‌نمود. اینها نمونه‌هایی از این ادعاست:

- ابوطالب وقتی از شکنجه «عثمان بن مظعون جحمی» توسط قریش خبردار شد، برای کمک به او اقدام نمود.^{۴۴}

- حضرت ابوطالب، «ابو سلمه بن عبدالاسد مخزومی» را که به دلیل پذیرش اسلام مورد شکنجه قریش قرار گرفته بود پناه داد و با دشمنان او بحث و جدل شدید نمود.^{۴۵}

۴۱. ص ۱۵۵.

۴۲. ص ۱۶۰.

۴۳. ص ۱۶۳.

۴۴. ص ۱۶۷.

۴۵. ص ۱۶۹.

۸. قرار دادن فرزندان خود به عنوان سپر بالای پیامبر ﷺ

یکی دیگر از دلایل ایمان ابوطالب به پیامبر ﷺ این بود که ایشان حاضر شد فرزندان خود را فدایی رسول خدا ﷺ گرداند. به برخی از نمونه‌های تاریخی زیر دقت نمایید:

- رضایت ابوطالب ﷺ در مورد هجرت فرزندش جعفر به حبشه، در آن شرایط بحرانی و خفقان ابتدای اسلام که معلوم نبود به چه سرگذشتی مبتلا می‌شوند، دلیلی بر ایمان ایشان است.^{۴۶}

- هنگامی که مسلمانان در شعب، محاصره بودند، ابوطالب ﷺ از ترس توطئه بر جان رسول خدا ﷺ ابتدا ایشان را در بستری می‌خواباند و وقتی که همه به خواب می‌رفتند، آن حضرت را به بستر فرزندش امیرمؤمنان ﷺ می‌برد و علی ﷺ را به بستر ایشان می‌آورد.^{۴۷}

۹. تصریح و شهادت زبانی ابوطالب بر رسالت پیامبر ﷺ

اولین مرحله ایمان که گویاترین آن نیز هست، شهادت و اقرار لسانی است. بر اساس آموزه‌های دینی، کسی که شهادتین را بر زبان جاری نماید مسلمان است و احکام اسلامی بر او جاری می‌شود. صریح‌ترین دلیل بر ایمان ابوطالب ﷺ، شهادت ایشان بر رسالت رسول خدا ﷺ هنگام محاصره در شعب ابی‌طالب است.^{۴۸}

۱۰. یقین به سخنان رسول خدا ﷺ

در موارد متعددی ابوطالب ﷺ با عبارات مختلف، ایمان و یقین خود به بیانات رسول خدا ﷺ را بیان فرمودند و اعمالی را انجام دادند که جز با یقین نمی‌توان به آنها اقدام نمود از این جهت می‌توان این امور را شواهدی بر ایمان عملی ابوطالب قلمداد کرد که به طور طبیعی از ایمان لسانی بالاتر است. به عنوان نمونه، وقتی خیر خورده‌شدن عهدنامه به وسیله موریانه، توسط پیامبر ﷺ به ابوطالب داده شد، ایشان با اطمینان و یقین نزد قریش رفته و این موضوع را اعلام نمودند و گفتند: اگر گفته‌های بردارزاده‌ام خطا باشد او را تحویل شما می‌دهم.^{۴۹}

۴۶. ص ۱۷۱.

۴۷. ص ۱۸۶.

۴۸. ص ۱۹۲.

۴۹. ص ۱۹۴.

ب) روش کتاب ابوطالب مؤمن قریش

خنیزی در بیان مطالب، روشی جذّاب را برگزیده است. ایشان در ابتدای هر مبحث، یک ادعای کلی را مطرح نموده، سپس به گونه‌های مختلف آن اشاره کرده، در مرحله بعد، مستندات آن را مطرح و سپس به تشریح مدّعا و جمع‌بندی می‌پردازد. به عنوان نمونه، پس از طرح ادعای مخالفت علنی معاویه با امیرمؤمنان علیه السلام، انواع دشمنی که پنهان کردن فضائل اهل بیت علیهم السلام، جعل احادیث دروغین بر علیه ایشان و جعل فضایل برای دشمنان آن حضرت است را بیان می‌کند، آنگاه مستندات خود را ارایه می‌نماید.^{۵۰}

مؤلف کتاب ابوطالب مؤمن قریش، در راستای این روش، نکات و قواعد زیر را در کل کتاب پیگیری نموده است.

۱. تخریح روایات و متون تاریخی

خنیزی به تخریح سند، منبع، متن و محتوای برخی روایات پرداخته و طرق و منابع متعدّد و همچنین متون مختلف آن را گزارش نموده است. برخی از آنها به عنوان نمونه آورده می‌شود:

- خنیزی پس از نقل روایتی از ابوهریره که می‌گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم:

هر پیامبری حرمی دارد و حرم من در مدینه میان غیر تا ثور است.

نقل ابن‌ابی‌الحدید که آن را «میان غیر تا احد» می‌داند نیز گزارش کرده است.^{۵۱}

- مؤلف پس از نقل جریان حرب بن امیّه با شخص یهودی و برخورد حضرت عبدالمطلب با وی از کتاب سیره حلبیه، به گزارش دیگر این جریان از تاریخ ابن اثیر پرداخته و به تفاوت‌های آن اشاره نموده است.^{۵۲}

- نویسنده کتاب ابوطالب مؤمن قریش، پس از نقل شعری از حضرت عبدالمطلب از کتاب کامل ابن اثیر وقتی به واژه «فناکا» می‌رسد به نقل دیگر آن در کتاب مروج الذهب اشاره کرده با واژه «قراکا» اشاره می‌کند.^{۵۳}

- خنیزی روایت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله با عبارت «کلّ الخیر ارجو من ربّی.» آورده است

آن‌گاه می‌گوید:

قد ورد هذا الحديث في صورٍ مختلفه لكنّه ينتهي الى غاية واحدة

و لا يختلف في مفاده.^{۵۴}

۵۰. ص ۲۲-۲۶.

۵۱. ص ۳۴.

۵۲. ص ۸۲.

۵۳. ص ۸۳.

۵۴. ص ۲۳۶.

- خنیزی، وصیت حضرت عبدالمطلب به حضرت ابوطالب را بر اساس نقل بحار الانوار آورده است. سپس اشاره می‌کند که در اثبات الوصیة و کتاب الحجّة علی الذاهب، به گونه دیگری آمده است.^{۵۵}

- وقتی جریان جوشش چشمه آب در منطقه ذی المجاز را بیان می‌کند دو گونه نقل روایت را این چنین می‌آورد:

ان اهوی بعقبه الی الارض، و فی روایةٍ أُخری أَنَّهُ رَکضَ صخرَةً
برجله.^{۵۶}

- خنیزی پس از بیان کرامتی از رسول خدا ﷺ و اعتقاد حضرت ابوطالب به مبارک بودن پیامبر ﷺ از سیره نبویه، سیره حلبی و بحار الانوار، به تخریح آن در منابع دیگر ادامه داده و گزارش تخریح خود را این گونه بیان می‌کند:

و قد اشار لذلك عمر ابوالنصر فی کتابه فاطمه بنت محمد ﷺ.^{۵۷}

۲. مقابله روایات و اشاره به اختلاف نسخ

خنیزی علاوه بر بیان نسخه‌های مختلف یک روایت در برخی موارد، نسخه اصح را نیز معرفی کرده است.

- ایشان در شعری که از حضرت عبدالمطلب آورده به اختلاف نسخه‌های آن در کتاب‌های مختلف اشاره می‌کند و می‌نویسد:

در مصرع «اعیذ بالله ذی الارکان» در اعیان الشیعة واژه «بالله»
آمده در حالی که در مروج الذهب لفظ «بالبیت» آمده است. همچنین
الفاظ این شعر در بحار الانوار متفاوت است.^{۵۸}

- خنیزی، جریان سفر رسول خدا ﷺ با حضرت ابوطالب را از سیره ابن هشام، سیره حلبیه و برخی منابع دیگر نقل کرده و به اختلاف نسخه‌های این منابع اشاره نموده است.^{۵۹}
- مؤلف کتاب ابوطالب مؤمن قریش، پس از نقل خبری از بحار الانوار، می‌نویسد:

و اما روایات البحار الثلاث؛ ففیها ذاتها اختلافٌ فالروایة الاولى
تختلف عن غیرها، و فیها شیءٌ من التناقض ... و لكن الحادثة الثانية،
هی الصّحیحة الروایة و مثلها الثالثة.^{۶۰}

۵۵. ص ۹۴. (برای مشاهده نمونه‌های دیگری از تخریح‌های خنیزی به صفحات ۹۳ و ۹۴ و ۱۰۴ و ۱۳۳ مراجعه فرمایید.)

۵۶. ص ۱۱۰.

۵۷. ص ۱۱۲.

۵۸. ص ۸۵.

۵۹. ص ۱۱۴.

۶۰. ص ۱۱۶.

- خنیزی حادثه مخفی شدن رسول خدا ﷺ در یکی از روزها را از کتاب الحجّة علی الذاهب نقل نموده آن گاه می نویسد:

این جریان با سه لفظ متفاوت نقل شده است.^{۶۱}

- خنیزی روایتی را از شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید نقل کرده آنگاه در پاورقی توضیح داده که در نسخه چاپی کتاب اشتباهی رخ داده و «قد روی علی بن محمّد» آمده است در حالی که صحیح آن، «محمّد بن علی» است.^{۶۲}

۳. شناسایی تصحیف در روایت یا نقل تاریخی

خنیزی در کتاب خود به مواردی از تصحیف اشاره نموده است. کشف موارد تصحیف نشان از تخصص و علمیت ایشان دارد. به عنوان نمونه مطلبی را از سیره نبوی و سیره حلبی چنین نقل نموده «اعمدوا مناة» آنگاه می نویسد:

بين الروایتین تصحیف ... «اعمدوا» فانها «اعتمدوا» فی الحلیبیه.^{۶۳}
الحلیبیه.^{۶۳}

۴. استفاده از تشبیهات و تمثیلات

بهره گیری از تشبیه و تمثیل و دیگر آرایه های ادبی باعث القای بهتر مطلب به مخاطب گردیده و اثرپذیری آن را افزون می گرداند. به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

- خنیزی، کجی راه مخالفان و دوری فاصله آن با راه مستقیم که راه اهل بیت علیهم السلام است را به نسبت دادن خون یوسف به گرگ تشبیه نموده است.^{۶۴}
- وی نسبت به اشکالاتی که مخالفان متوجه شیعه می کنند در حالی که در خودشان وجود دارد این ضرب المثل را به کار برده است:
رمتنی بدائها و وانسلت.
عیبی را به من نسبت داد که در خودش وجود دارد.^{۶۵}

۶۱. ص ۱۶۱، پاورقی ۱.

۶۲. ص ۲۵۷.

۶۳. ص ۱۰۳.

۶۴. ص ۶۹.

۶۵. ص ۵۶. (نمونه های دیگری از تمثیل و تشبیه را می توانید در صفحات زیر ملاحظه فرمایید:

✓ ۲۱: رجل سقى الاسلام بدرةً فى حقلٍ مجدبٍ و رعاها املوداً فى مهبطٍ الاعصار.

✓ ۳۰: عماد ما یرفعون من واهى البناء.

✓ ۹۸: و لكن الانف المزكوم، لا يستششق العرف الفواح.

✓ ۱۱۶: ان تطیح بهذا الغصن الفارع، قبل ان یتفتّح عن زهرٍ باسمٍ و ثمٍرٍ نصیرٍ.

✓ ۱۴۸: الاعمى، لا یدرى ما النور ... و لیست الخفّاشه بالتی یمتدّ لها جناحٌ و الشمس تحبو فی رقعة الكون.

۵. بیان مستندات و مصادیق متعدّد برای ادعاها

مؤلف کتاب ابوطالب مؤمن قریش، معمولاً برای ادعاهای خود مستندات و مصادیق متعدّدی ارائه می‌نماید:

- خنیزی ادعا نموده معاویه همواره مانع بیان فضایل امیرمؤمنان علیه السلام شده و برای مخفی نگه داشتن آن تلاش می‌کرد. ایشان برای ادعای خود چندین مورد از سخنان معاویه در این رابطه را می‌آورد.^{۶۶}

- ایشان مدعی است برخی از مخالفت‌های دشمنان شیعه در مباحث فقهی، تعدّی بوده و فقط به دلیل اینکه شیعیان به عنوان سنت نبوی به آن عمل می‌کنند، گروهی از اهل سنت با آن مخالفت کرده‌اند. خنیزی پس از بیان این سخن، برای اثبات ادعای خود، نمونه‌های متعدّدی از این مخالفت‌ها ارائه می‌دهد و می‌گوید:

غزالی و ماوردی گفته‌اند: مسطح ساختن قبرها مشروع است ولی چون رافضی‌ها آن را شعار خود ساخته‌اند از آن خودداری نموده و به تسنیم روی آوردیم.

مصدق دیگری که مطرح می‌کند این است که یکی از مخالفان می‌گوید:

انگشتر در دست راست کردن، سنت است ولی از آنجا که رافضی‌ها آن را به کار می‌برند، ما در دست چپ قرار می‌دهیم.

با پیگیری کلید واژه‌های «لکونه شعاراً للرافضه»، «لأنّه یؤدّی الی الاتّهام بالرفض» و «شعاراً للامامیة» به نمونه‌های متعدّدی از این مخالفت‌ها می‌توان دست یافت.^{۶۷}

- خنیزی، یکی از دلایل ایمان ابوطالب را تشویق فرزندش امیرمؤمنان علیه السلام جهت حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است. آن گاه برای اثبات این مدعا، شواهد متعدّدی ارائه داده که برخی از آنها عبارتند از: «وی، تو را جز به خیر دعوت نمی‌کند پس همراه او باش»،^{۶۸} و «پسرم، همراه عموزاده‌ات باش تا از هر گزندی در حال و آینده در امان باشی، آسودگی

✓ ۱۶۹: التی اشباه الرجال و لا رجال.

✓ ۲۵۵: ضواء الباطل من السُّحب.

۶۶. از جمله: معاویه به عمّالش نوشت، هر کسی چیزی از فضائل ابوتراب و اهل بیتش روایت کند، خونش هدر می‌باشد. همچنین گفت: به هیچ‌یک از شیعیان علی و اهل بیتش اجازه شهادت دادن ندهید. او در نامه دیگری به عمّالش نوشت: نگذارید کسی از مسلمین خبری درباره ابوتراب روایت کند. وی در نامه‌ای دیگر نوشت: نام دوستداران علی و اهل بیتش را از دفتر بیت المال پاک کنید. (ن. ک: ابوطالب مؤمن قریش، ص ۲۳-۲۵ به نقل از شرح نهج البلاغه، ص ۱۵ و ۱۶.)

۶۷. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۶۴.

۶۸. ص ۱۴۰ و همچنین ن. ک: تاریخ الامم و الملوک ج ۲، ص ۵۸؛ الاصابة، ج ۴، ص ۲۱۶؛ السیره النبویة، ج ۱، ص ۱۷۶؛ السیره الحلیّیة، ج ۱، ص ۳۰۶.

در همراهی با محمد است، پس ای علی، دو دست خود را در همراهی او محکم کن.^{۶۹} ایشان شاهد سوم را این‌گونه می‌آورد که روزی ابوطالب، پیامبر ﷺ را در حالی که امیرمؤمنان علیه السلام در سمت راست او ایستاده بود در حال نماز دید، آنگاه پسرش جعفر را صدا زد و توصیه نمود که در طرف دیگر پیامبر ﷺ بایست و نماز بخوان.^{۷۰} سپس با شعری، فرزندان علی و جعفر را محلّ اعتماد خود دانسته و آنها را به حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله توصیه نموده است.^{۷۱}

۶. توضیح برخی عبارات و اصطلاحات در پاورقی

یکی دیگر از روش‌های خیزی برای القای بهتر مطالب به مخاطب، توضیح و تبیین مباحثی است که نیاز به تبیین دارد و عدم تفسیر آنها ممکن است باعث ایجاد شبهاتی در ذهن مخاطب شود:

- یکی از اصطلاحات به کار رفته در این کتاب، «عام الجماعة، سال جماعت» است که خیزی منظور از آن را در پاورقی تبیین می‌کند.^{۷۲}
- هنگام نقل پیش‌گویی‌های امیرمؤمنان علیه السلام درباره کوفیان، منظور از آن دوران را زمان حکومت حجاج بن یوسف معرفی می‌کند.^{۷۳}
- خیزی وقتی شعر «رقیقه» دختر «ابی صیفی بن شم» درباره حضرت عبدالمطلب می‌آورد:

بشیبة الحمد اسقى الله بلدتنا
و قد عدمتنا الحیا و الجلود المطر^{۷۴}

در پاورقی توضیح می‌دهد که مراد از آن، زمانی است که حضرت عبدالمطلب با همراهانش برای محاکمه قریش رفتند و در حالی که از تشنگی مشرف به مرگ بودند قریش از دادن آب به آنها امتناع ورزید اما به فضل خداوند آبی از زیر سُم ایشان جاری گردید.^{۷۵}

- درباره یکی از اوصاف حضرت ابوطالب آمده است: ایشان نخستین کسی بود که «فسامه» را در مورد خون عمرو بن علقمه سنت نهاد و پس از آن، سنت نبوی آن را مقرر

۶۹. ن. که ابوطالب مؤمن قریش، ص ۱۴۰ و نیز ن. که شرح نهج البلاغة، ج ۳، ص ۳۱؛ الحجّة علی الذاهب، ص ۶۳؛ اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۹.

۷۰. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۱۴۰ و نیز ن. که السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۷۷؛ السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۲۰۴؛ شرح نهج البلاغة، ج ۳، ص ۲۷۲.

۷۱. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۱۴۱.

۷۲. ص ۳۲.

۷۳. ص ۴۰.

۷۴. خداوند به خاطر شبیة الحمد به شهر ما باران داد در حالی که آب نداشتیم و باران نیامده بود.

۷۵. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۹۰.

فرمود: ^{۷۶} خیزی در پاورقی کتاب خود «قسامه» را توضیح می‌دهد که مقصود از آن، قسم‌هایی است که بر اولیای دم تقسیم می‌شود.
 - وقتی درباره جوشش آب در منطقه «ذی المجاز» سخن می‌گویند به توضیح واژه «ذی المجاز» در پاورقی می‌پردازد ^{۷۷، ۷۸}.

۷. پرسش از مخاطب

یکی از شیوه‌های خیزی برای به تفکر واداشتن مخاطب، طرح سؤالات اساسی در جایگاه‌های حساس است. این پرسش‌های مبنایی می‌تواند مخاطب منصف را به تفکر وادارد و راه حقیقت را به روی او بگشاید. به نمونه‌های زیر دقت نمایید:

- مؤلف پس از بیان این مطلب که برخی از فتاوی مخالفان به دلیل ضدیت با شیعه است، این سؤالات را از مخاطب می‌پرسد که آیا سنت پیامبر ﷺ قابل تحریف و تغییر است؟ اگر قابل تغییر نیست پس چگونه مخالفان به خود اجازه می‌دهند بگویند فلان عمل از سنت پیامبر است و من آن را حرام می‌کنم تا از شیعه متمایز شوم؟ ^{۷۹}
 - خیزی سخنان حضرت ابوطالب در پاسخ به ابولهب در روز مهمانی خویشاوندان را این‌گونه می‌آورد:

پس آنچه به آن دستور داده شده‌ای عمل کن که به خدا سوگند
 همچنان از تو دفاع می‌کنم و تو را حمایت می‌کنم ... ای سرورم
 برخیز و رسالت پروردگارت را ابلاغ کن. ^{۸۰}

سپس این سوال را از مخاطب می‌پرسد که آیا این ایمان ناطق نیست که به او می‌گوید فرمان پروردگارت را اجرا نما و رسالتت را انجام بده؟ ^{۸۱}

- مؤلف کتاب ابوطالب مؤمن قریش پس از نقل جریان دعوی حضرت ابوطالب با ابولهب این سؤال را از مخاطب می‌پرسد که آیا ابوطالب و ابولهب دو عموی پیامبر ﷺ نبودند؟ پس چرا هر کدام از آنها موضعی کاملاً مخالف دیگری اتخاذ کرد؟ ^{۸۲}

۷۶. ص ۱۰۲.

۷۷. ص ۱۱۰.

۷۸. برای ملاحظه نمونه‌های دیگر می‌توانید به ص ۱۸۵ (توضیح علت نامگذاری شعب ابی طالب وواژه الخبّط) مراجعه نمایید.

۷۹. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۵۵.

۸۰. ص ۱۳۵.

۸۱. ص ۱۳۶.

۸۲. ص ۱۳۶.

- خنیزی پس از سخنان ابوطالب در تشویق امیرمؤمنان علیه السلام مبنی بر حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله، این پرسش را از مخاطب می‌نماید که اگر ایشان ایمانی به آن حضرت نداشت چرا باید آن را تبلیغ کند و پرسش را به اعتقاد و همراهی آن وادارد؟^{۸۳}

- پرسش دیگری که خنیزی از مخاطب منصف می‌پرسد این است که آیا گفتن جملات «محمد رسول الله» و «محمد نبی یاتیه الوحی من ربّه»، برای ایمان شخص کافی نیست؟ چگونه می‌توان ایمان ابوطالب را انکار کرد در حالی که ایشان این عبارات را بر زبان جاری نمودند؟^{۸۴}

- خنیزی پس از بیان ایمان و یقین ابوطالب علیه السلام به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان خورده شدن عهدنامه توسط مورینه، این پرسش را از مخاطب می‌کند که آیا اگر ابوطالب یقین به آن حضرت نداشت این‌گونه با قاطعیّت با قریش سخن می‌گفت که اگر برادرزاده‌ام خطا گفته باشد او را تحویل شما می‌دهم؟^{۸۵}

- خنیزی جریان غسل، حنوط و کفن ابوطالب توسط فرزندش امیرمؤمنان علیه السلام را نقل کرده، آن‌گاه این سوال را از مخاطب می‌پرسد که آیا این کارها برای غیر مسلمان انجام می‌شود؟^{۸۶}

۸. نقد سخن یک شخص با کشف تناقضات در گفته‌های او

یکی از روش‌های خنیزی در ردّ سخنان مخالفان، نشان دادن و برجسته سازی تناقضات در گفته‌های آنهاست. به عنوان نمونه، غزالی از یک سو لعن را ممنوع دانسته تا جایی که می‌گوید:

و لا خطر فی السکوت عن لعن ابلیس، فضلا عن غیره.

در حالی که در جایی دیگر می‌گوید:

گفتن عبارت لعنة الله على اليهود و النصارى و المجوس و على القدریه و الخوارج و الروافض اوو على الزناة و الظلمه و اکلای الربا و کلُّ ذلک جائز.^{۸۷}

خنیزی می‌گوید:

گمان می‌رود بین این دو موضع گیری تناقض زیادی است که در اینجا این گروه‌ها را لعن می‌کند در حالی که در آنجا از کسی مانند

۸۳. ص ۱۴۰.

۸۴. ص ۱۹۲.

۸۵. ص ۱۹۴.

۸۶. ص ۲۴۵.

۸۷. احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۲۱.

یزید دفاع می‌کند و در ساکت شدن از لعن ابلیس اشکالی نمی‌بیند. ایشان سپس می‌گوید: اگر قدری تأمل کنیم روشن می‌شود که تناقضی وجود ندارد زیرا جواز لعن رافضیان در حقیقت با دفاع از یزید در یک راستاست و همه آنها ثمره دشمنی با خاندان رسالت علیهم‌السلام است. نکته دیگری که نقشه پلید غزالی را نمایان می‌سازد اینکه وی شیعه را با خوارج در یک صف قرار می‌دهد.^{۸۸}

۹. مواظبت بر عدم خروج از بحث اصلی

یکی از ویژگی‌های مثبت آثار تخصصی خنیزی که حاکی از دقت مؤلف بوده و بر اعتبار کتاب می‌افزاید، عدم بیان موضوعات غیر مرتبط با بحث اصلی است. خنیزی در موارد متعددی به این نکته اشاره کرده و پایبندی خود به این موضوع را گوشزد نموده است:

- خنیزی می‌گوید: معاویه در گفتار، عقیده و عمل با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مخالفت ورزید ولی به

دلیل خروج این موضوع از بحث اصلی کتاب، آن را پیگیری نمی‌کنیم.^{۸۹}

- خنیزی می‌گوید: برخی مؤلفان در دو اثر خود دو دیدگاه و نظر متفاوت داده‌اند و این

به دلیل آن است که در هر کتاب، مطابق میل و خواست کسی حرکت کرده که کتاب را

به خاطر او نوشته است. وی برای این سخن خود شواهدی ارائه نمی‌دهد و دلیل آن را

ترس از خروج از بحث می‌شمرد.^{۹۰}

- مؤلف کتاب ابوطالب مؤمن قریش، وقتی از عملکرد برخی عالمان اهل سنت که در

راستای ایجاد وحدت و همدلی تلاش کرده‌اند، تمجید می‌کند، می‌گوید: به دلیل عدم

تناسب بحث ما با این موضوع، از توضیح مشروح آن خودداری می‌کنیم.^{۹۱}

- خنیزی بخشی از خطبه حضرت ابوطالب رضی‌الله‌عنه هنگام ازدواج رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بیان

نموده آن‌گاه می‌نویسد: و قد شئنا: ان نختصر خطوط هذه الحادثة و ان نقف منها عند هذا

الحدّ حيث مسامه بموضوع الكتاب.^{۹۲}

۱۰. معرفی اجمالی منابع در متن یا پاورقی کتاب

شیوه خنیزی این است که معمولاً هنگام یادکرد از یک کتاب و یا نقل قول از آن، به معرفی

اجمالی آن می‌پردازد. نمونه‌های زیر گویای این مطلب است:

۸۸. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۴۹.

۸۹. ص ۳۸؛ و نحن لو أطلعنا البراع و شئنا هذا التقصی لخرجنا بموضوع الكتاب الی جادّة غیر هذا.

۹۰. ص ۵۸. (ایشان در پاورقی، سخن غزالی درباره یزید و کشتن امام حسین علیه‌السلام و تناقض گفتار او در دو کتابش را به عنوان نمونه

می‌آورد.)

۹۱. ص ۶۹.

۹۲. ص ۱۲۷.

- وقتی از کتاب الصواعق المحرقة ابن حجر نام می برد، انگیزه تألیف آن را بیان می دارد و به طور اجمالی به معرفی محتوای کتاب می پردازد. همچنین از کتاب «تطهير الجنان و اللسان عن الخطور و التّفوه بثلب سيدنا معاوية بن ابي سفيان» نام می برد و به محتوای آن اشاره می کند.^{۹۳}

- وقتی به تناسب، از کتاب «تحت راية القرآن» نام می برد، به نام مؤلف و محتوای آن هم اشاره می کند.^{۹۴}

- وقتی از عبدالله قصیمی نام می برد کتابش «الصراع بين الاسلام و الوثنية» را معرفی می کند.^{۹۵}

- به هنگام آمدن نام رشیدرضا، کتاب «السنة و الشيعة، او الوهابية و الرافضة» را به اجمال معرفی می کند.^{۹۶}

۱۱. رفع شبهات با تبیین روایات و نقل‌های تاریخی

یکی از اقدامات خنیزی، تلاش برای رفع شبهات احتمالی موجود در متون روایات یا نقل‌های تاریخی است:

- ایشان سخنی را از ابوطالب خطاب به پیامبر ﷺ نقل نموده که فرمودند:

از تو دفاع می کنم و حمایت می نمایم ولی دلم نمی آید از دین عبدالمطلب جدا شود.

مؤلف کتاب ابوطالب مؤمن قریش در پاسخ شبهه سختی دست برداشتن ابوطالب از دین عبدالمطلب می گوید: اولاً ابوطالب پس از تصریح به ایمان خود و حقانیت پیامبر ﷺ برای در امان ماندن از فتنه کفار و مشرکان، تصمیم گرفت موضع خود را برای آنان مبهم سازد تا از این طریق بتواند دفاع بیشتری از رسول خدا ﷺ نماید. ثانیاً مگر دین عبدالمطلب چیزی غیر از ابراهیم و دعوت به حق بود؟^{۹۷}

- خنیزی شعری را از حضرت ابوطالب این گونه می آورد:

و لقد علمت بانّ دين محمد
من خير اديان البرية دينا

آنگاه در پاسخ به شبهه احتمالی مخاطب این گونه پاسخ می دهد:

۹۳. ص ۶۴.

۹۴. ص ۶۸.

۹۵. ص ۶۸.

۹۶. ص ۶۸.

۹۷. ص ۱۳۷.

«حرف اضافه «مین» تنها به سبب ضرورت شعری بر زبان ابوطالب جاری گردید تا وزن صحیح گردد و این بین شاعران مرسوم است.^{۹۸}

- خنیزی این شبهه احتمالی را مطرح می‌کند که چرا وقتی پیامبر ﷺ خبر خورده شدن عهدنامه توسط موربانه را به ابوطالب داد ایشان سؤال پرسیدند، آیا پرودگارت تو را به این مطلب آگاه کرده است؟ آنگاه پاسخ شبهه را این‌گونه می‌دهد که این سؤال از باب اطمینان قلبی بود که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره فرموده است:

أَوَلَمْ تَوْمَن؟ قال: بلی و لکن لیطمئن قلبی.^{۹۹}

لذا پس از آن، ابوطالب با قاطعیّت و اطمینان تمام با قریش سخن گفت.

نتیجه

شبهه در ایمان حضرت ابوطالب ﷺ مسأله‌ای سیاسی بوده که حاکمان جور و دشمنان اهل بیت ﷺ برای رسیدن به منافع خود آن را مطرح کرده‌اند. از جمله اهداف دشمنان ایجاد خدشه در چهره امیرمؤمنان ﷺ است. تاکنون آثار متعددی در دفاع از ابوطالب ﷺ و پاسخگویی به این شبهه تألیف شده است. یکی از آثار موفّق در این زمینه، کتاب ابوطالب مؤمن قریش، تألیف عبدالله خنیزی است. جذّابیت کلام، انصاف در انتساب مطالب به دیگران، امانت‌داری، روش بحث و محتوای علمی کتاب از عوامل موفقیت آن است. خنیزی ضمن بیان تاریخ کاملی از زندگی ابوطالب ﷺ در قالب داستان، توانسته به خوبی دلایل ایمان ایشان را بررسی و تبیین نماید. مؤلف کتاب برای اثبات ایمان ابوطالب ﷺ از قرآن، روایات، تاریخ، دلیل عقل، اجماع عالمان دین و عرف بهره گرفته است. تأیید ابوطالب ﷺ از طرف رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ، شهادت لسانی ابوطالب ﷺ به رسالت رسول خدا ﷺ، دفاع همه جانبه ابوطالب از پیامبر ﷺ، وصیّت ابوطالب به فرزندان مبنی بر حمایت از رسول خدا ﷺ و قرار دان فرزندان خود به عنوان سپر بالای پیامبر ﷺ، برخی از دلایل ارائه شده توسط خنیزی برای ایمان ابوطالب ﷺ است.

نگاهی
به
زندگی
ابوطالب
مؤمن
قریش
محتوای
روش

۹۸. ۱۵۲.

۹۹. بقره، ۲۶۰.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابوطالب مومن قریش خنیزی، عبدالله، سید حسین محفوظی، قم: حبيب، ۱۳۸۰ش.
۳. ابوطالب مومن قریش، خنیزی، عبدالله، بیروت: البلاغ، پنجم، ۱۸ ۱۴۱ق.
۴. احیاء العلوم الدین، غزالی، ابو حامد محمد، مصر: البانی، ۱۳۵۸ش.
۵. الاصابه فی تمییز الصحابه، عسقلانی، ابن حجر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۵ ۱۴۱ق.
۶. اعیان الشیعه، امین، سید محسن (۱۳۷۱)، بیروت: الانصاف، ۱۳۷۰ق.
۷. تاریخ الامم و الملوک طبری، محمد بن جریر، بی جا، الاستقامه، ۱۳۵۷ش.
۸. الحجۃ علی الظاهر علی تکفیر ابی طالب، موسوی، سید فخار بن معد، نجف اشرف: العلویه، ۱۳۵۶ق.
۹. السیره النبویه، ابن هشام، عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری المعافری، مصر: بابی، ۱۳۵۵ق.
۱۰. سیره حلبیه (إنسان العیون فی سیره المؤمن و المؤمن) حلبی شافعی، ابوالفرج نورالدین علی بن ابراهیم بن احمد حلبی شافعی، مصر: ازهریه، ۱۳۵۱ق.
۱۱. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبته الله، ابن ابی الحدید، مصر: دارالکتب العربیه، ۱۳۲۹ق.